



زیادات کامل الزیارات و مسأله انتساب اثر به ابن قولویه

(صفحه ۱۵۳-۱۷۲)

دکتر مژگان سرشار^۱

دریافت: ۱۳۹۵ / ۶ / ۵

پذیرش: ۱۳۹۵ / ۶ / ۲۵

چکیده

گزارشها حکایت از آن دارند که ابن قولویه (د ۳۶۷ق)، عالم شیعی بغدادی اثری با عنوان *کامل الزیارات* مشتمل بر روایات مرتبط با فضیلت و آداب زیارت امامان شیعه (ع) تألیف کرده است. موضوع این مطالعه نقد متن نسخه مشهور همین اثر و معرفی نویسنده واقعی آن است. می‌خواهیم در آن فرضیه‌ای را بیازماییم که نخستین بار محمد باقر بهبودی — حدیث پژوه معاصر — ارائه کرده، و بر پایه آن، مؤلف *کامل الزیارات* را عالمی شیعی از نسل شاگردان ابن قولویه با نام حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی شناسانده است؛ محدثی که از نظر عالمان رجال شیعه ضعیف و سست مذهب، و روایات او نیز مردود است. بر پایه دیدگاه بهبودی، بوشنجی *کامل الزیارات* را با اصل قرار دادن اثر ابن قولویه و افزودن روایاتی چند بدان پدید آورده است. برای آزمون این فرضیه، نخست استدلالها و شواهد بهبودی را بازمی‌شناسیم، آن گاه خواهیم کوشید با مرور *کامل الزیارات* شواهدی از درون خود متن بر این مدعا بیابیم.

کلید واژه‌ها: حسین بن احمد بوشنجی، توثیقات عامه، نقد متن، محمد باقر بهبودی.

۱. استادیار، عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

درآمد

کامل الزیارات یکی از کتب روایی کهن شیعی است؛ مشتمل بر ۱۰۸ باب با حجمهای متفاوت. روایات این اثر ارزش، پاداش، و آداب زیارت رسول خدا (ص)، ائمه شیعه (ع)، دیگر بزرگان خاندان اهل بیت (ع)، و مسائلی مشابه را بازمی‌گویند. *کامل الزیارات* مهم‌ترین اثر کهن از آثار بازمانده شیعی در باره این موضوع به شمار می‌رود (برای تحلیلی از محتوای آن و جایگاهش در تاریخ ادبیات دعایی شیعه، رک: مهرش، *گونه‌شناسی...*، ۱۲۲-۱۲۸). ظاهراً سه نسخه خطی از این کتاب موجود است؛ یکی در سال ۱۰۶۸ق استنساخ شده، و محمد باقر مجلسی هم آن را ویراسته است؛ دیگری را ناسخی به نام محمد شفیع کرمانی در سال ۱۰۹۳ق بازنویسی کرده، و نسخه سوم نیز همانی است که در سال ۱۳۵۶ق/ ۱۳۱۶ش به شیوه چاپ سنگی منتشر شده، و عبدالحسین امینی آن را با نسخه‌های کهنی که در اختیار داشته، مقابله و تصحیح کرده است (رک: جعفری، ۱۰-۱۳). در همه این نسخه‌ها، و هم البته به طبع در هر دو چاپ تصحیح شده اثر در دوران معاصر (یعنی تصحیح جواد قیومی و تصحیح بهراد جعفری به همراه علی اکبر غفاری صفت، رک: منابع)، مؤلف آن ابن قولویه شناسانده می‌شود.

بر پایه شواهد تاریخی، می‌دانیم ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه — از فقیهان و محدثان برجسته شیعه در نسل شاگردان کلینی (برای وی، رک: انصاری، سراسر اثر)، اثری در باره زیارات هم داشته است (برای نمونه، رک: مفید، ۱۳). نام اثر وی را هم کتاب *الزیارات* یا *جامع الزیارات* — و نه *کامل الزیارات* — آورده‌اند (نجاشی، ۱۲۳-۱۲۴؛ طوسی *الفهرست*، ۹۱-۹۲). باینحال، دستکم در سده‌های اخیر، *کامل الزیارات* فوق‌الذکر، همان اثر ابن قولویه تلقی می‌شود.

شاید این، ریشه در یادکرد فراوان اسم ابن قولویه در *کامل الزیارات* داشته باشد.

به علاوه، فهرستی از استادان و شاگردان مؤلف اثر بر اساس روایتهایی که در متن آن درج شده است، در مقدمه این کتاب (ص ۶-۸) به چشم می خورد. می توان ابن بابویه، شیخ مفید، کلینی و هارون بن موسی تلّعی را از مشهورترین معاصران و استادان مؤلف اثر دانست (رک: ابن بابویه، ۵۵؛ طوسی، الرجال، ۴۱۸). این امر باز مؤید همان است که مؤلف، ابن قولویه باشد.

از نگاه فقیهان شیعه در چند سده اخیر، انتساب کامل الزیارات به ابن قولویه پیامدهای نظری مهمی نیز در توثیق رجال برخی روایات فقهی نیز دارد. این فقیهان به استناد اعتماد مزعوم عالمی سرشناس و محدثی قابل اعتماد همچون ابن قولویه در این اثر بر روایات تنی چند از راویان که در منابع رجالی مهمّله نهاده شده اند، پذیرش منقولات ایشان را از باب «توثیقات عامه» موجه تلقی کرده اند (رک: خوبی، ۱/ ۱۳، ۲۳، ۵۰).

طرح مسأله

در کوشش برای شناخت دقیق تر مؤلف و راویان کامل الزیارات، شواهدی متناقض با قضاوت فوق به دست می آید. مثلاً، در این اثر فراوان از شخصیهایی نقل روایت می شود که عالمان رجال شیعه در طعن ایشان متفق بوده اند؛ راویانی همچون ابوسعید عبّاد عصفری، محمد بن سنان، عبدالله بن عبدالرحمن اصمّ، قاسم بن یحیی، و جز آنها (رک: جدول شم ۱).

جدول شم ۱- راویان ضعیف در کامل الزیارات		
نام راوی	منقولات وی در کامل الزیارات	اشارات رجالیان به ضعف وی
ابوسعید عبّاد عصفری	ص ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴	نجاشی، ۲۹۳؛ طوسی، الفهرست، ۳۲۲
محمد بن سنان	ص ۶، ۶۹، ۱۱۳، ۲۸۲	رک: بهبودی، معرفة الحدیث، ۲۹۵-۳۰۰
عبدالله بن عبدالرحمن اصمّ	ص ۶۷، ۸۳، ۸۵، ۹۱، ۹۲، جم	نجاشی، ۲۱۷
قاسم بن یحیی	ص ۶	ابن غضائری، ۸۶؛ نیز رک: بهبودی، معرفة الحدیث، ۲۷۲-۲۷۳

افزون بر این، شماری قابل توجهی از راویان روایات این اثر هم از مجاهیل هستند؛ یعنی راویانی که برای هیچ یک از رجالیان شناخته نبوده‌اند و به طبع، نقل روایت از ایشان با مقام محدثی سرشناس همچون ابن قولویه ناسازگار است. از باب نمونه، تنها در ۷۰ صفحه نخست اثر — یعنی در حدود یک پنجم حجم کل آن — می‌توان ۱۵ نفر از این قبیل را پیدا کرد: ابوشهاب معلی، سدوسی، فضل بن مالک نخعی، سلیمان بن عمرو نخعی، محمد بن محمد اشعث، محمد بن موسی، حسین بن حسن بن ابان، عبدالرحمن بن کثیر، سهل بن زیاد، حسن بن علی بن مهزیار، معلی بن خنیس، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، الح بن سهل، سعد اسکاف، و ابوسعید حسن بن علی بن زکریا (رک: جدول شم ۲). گذشته از این، موارد متعددی می‌توان در این اثر ارسال سند مشاهده کرد (برای اشاره به این موارد، رک: جعفری، ۲۴ پ ۴ و ۶؛ همو، ۶۱ پ ۳؛ همو، ۶۲ پ ۱؛ همو، ۷۶ پ ۱؛ همو، ۷۹ پ ۲؛ همو، ۱۰۶ پ ۳).

جدول شم ۲ - مجاهیل در کامل الزیارات

نام راوی	منقولات وی در اثر	تصريحات رجالیان به ناشناختگی وی
ابوشهاب معلی	ص ۶	خوبی، ۱۹/۲۵۶
سدوسی	ص ۷، ۹، ۱۰	همو، ۳۲۸-۳۲۹
فضل بن مالک نخعی	ص ۹	جایی بدین اشاره نشده است.
سلیمان بن عمرو نخعی	ص ۹	ابن داوود، ۲۴۹؛ نیز بهبودی، معرفه، ۲۲۴
محمد بن محمد اشعث	ص ۱۰	بهبودی، همان، ۳۲۳-۳۲۵
محمد بن موسی	ص ۱۰	بهبودی، همانجا
حسین بن حسن بن ابان	ص ۱۰	ابن داوود، ۲۷۰؛ نیز رک: حسن بن زین الدین، ۱/۴۲
عبدالرحمان بن کثیر	ص ۲۵	نجاشی، ۲۳۴-۲۳۵؛ نیز بهبودی، همان، ۲۳۴
سهل بن زیاد	ص ۱۴	نجاشی، ۱۸۵؛ طوسی، الفهرست، ۱۴۲
حسن بن علی بن مهزیار	ص ۳۳	جایی بدین اشاره نشده است.
معلی بن خنیس	ص ۶۰	نجاشی، ۴۱۷؛ خوبی، ۱۹/۲۶۰
محمد بن حسین بن ابی الخطاب	ص ۶۰، ۶۲	ابن داوود، ۷۹
الح بن سهل	ص ۶۲	کشی، ۲/۶۳۲؛ حلی، ۳۵۹
سعد اسکاف	ص ۶۸	نجاشی، ۱۷۸؛ کشی، ۲/۴۷۶؛ نیز بهبودی، همان، ۲۱۹-۲۲۱
ابوسعید حسن بن علی بن زکریا	ص ۶۹	ابن غضائری، ۵۴-۵۵

این شواهد نوعی تناقض در شناخت ما از ابن قولویه پدید می‌آورند: از یک سو ابن قولویه به مثابه فقیهی برجسته و قابل اعتماد شناسانده می‌شود که توثیقات عامّ او نیز برای فقیهان بعد معتبر است؛ و از دیگر سو، وی مؤلف اثری تلقی می‌گردد که حجم قابل توجهی از آن به نقل از راویان ضعیف و غیر قابل اعتماد اختصاص یافته است؛ نقلهایی که به طبع نمی‌توان از محدثی همچون وی انتظار داشت.

در کوشش برای رفع این تناقض، محمد باقر بهبودی (۱۳۰۷-۱۳۹۳ش) حدیث‌پژوه معاصر ایرانی معتقد است *کامل الزیارات* کنونی اثر ابن قولویه نیست؛ بلکه نتیجه بازنویسی اثر ابن قولویه توسط یکی از شاگردان او، و آکنده از درجها و اضافات است. وی همه توضیحات خود را در این باره تنها در ضمن یک حاشیه مختصر و مجمل بر روایتی منقول از *کامل الزیارات* در *بحار الانوار* می‌آورد. بر پایه توضیحات وی، نسخه کنونی *کامل الزیارات* متعلق به یکی از شاگردان ابن قولویه یعنی حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی است؛ وی با اصل قرار دادن مجموعه روایات استاد خود ابن قولویه و البته با بهره گرفتن از روایات دیگر استادانش، *کامل الزیارات* را پس از درگذشت ابن قولویه تألیف نموده است (رک: بهبودی، حاشیه بر *بحار الانوار*، ۲۸ / ۵۵).

مطالعه پیش رو کوششی برای آزمون فرضیه فوق است. می‌خواهیم نخست بدانیم شواهد بهبودی بر این مدعا چیستند؛ ثانیاً، چه شواهد بیش‌تری احیاناً در تأیید یا رد چنین مدعایی می‌توان یافت.

۱. مروری بر شواهد بهبودی

چنان که گفتیم، در نخستین گام باید با مرور عبارات مجمل و کوتاه بهبودی، استدلال وی بر این معنا و شواهد او را بر این مدعا بازشناسیم. به بیان دیگر،

توضیحاتی را که وی بر حسب تجربه و تا حدود زیادی مطابق شیوه قدما — بدون ذکر ارجاعات — آورده است، به بیانی قابل نقد مبدل کنیم.

الف) یادکرد غریب ابن قولویه در اثر

چنان که بهبودی دریافته است، کاربرد تعابیری مانند «رَحِمَهُ اللهُ» و «رضی اللهُ عنه و أَلْحَقَهُ بِمَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» بعد از نام ابن قولویه، یا ذکر نام وی بعد از القابی همچون «شیخی» و «شیخنا» در متن این اثر (ص ۲۷۲-۲۷۳، ۲۷۹) نشان می‌دهد *کامل الزیارات* بعد از درگذشت جعفر بن محمد بن قولویه (د ۳۶۸ق) تألیف شده است.

یک جا بوشنجی — که از دید بهبودی مؤلف اثر است — خودش توضیح می‌دهد که مرگ استادش ابن قولویه سر رسید و مقدر نشد روایتی را در کتابش بیاورد؛ روایاتی که در اواخر عمر ابن قولویه، بوشنجی بدانها دست یافته، و به استادش هم باز نموده بود؛ اما به هر دلیل ابن قولویه به درج آنها در کتاب *زیارات* خود موفق نشد، یا نخواست بدین کار مبادرت ورزد. آن گاه بوشنجی توضیح می‌دهد که وی خود این روایت را در ضمن اثر گنجانده است:

الباب الثامن والثمانون — فضلُ كربلاء وزيارة الحسين عليه السلام: للحسين بن أحمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه أبو القاسم - رحمه الله - مصنف هذا الكتاب نقل عنه وهو عن زائدة، عن مولانا علي بن الحسين عليهما السلام، ذهب علي شيخنا - رحمه الله - أن يضمته كتابه هذا وهو مما يليق بهذا الباب ويشتمل أيضاً على معانٍ شتى حسنٍ تامٍ الألفاظ، أحببت إدخاله وجعلته أول الباب... وقد كنت استفتت هذا الحديث بمصر عن شيخى أبى القاسم على بن محمد بن عبدويس الكوفى - رحمه الله - مما نقله عن مزاجم بن عبدالوارث البصرى بإسناده عن قدامة بن زائدة، عن أبيه زائدة، عن علي بن الحسين عليهما السلام، وقد ذكره شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنيف هذا الكتاب ليدخله فيه فما قضى ذلك وعاجلته منيته - رضى الله عنه - وألحقه بمواليه عليهم السلام، وهذا الحديث داخلٌ فيما أجاز لى شيخى - رحمه الله - وقد جمعت بين الروايتين بالألفاظ الزائدة والتقصان والتقديم والتأخير فيها حتى صحَّ بجميعة عمّن حدّثنى به أولاً ثم الآن، وذلك أتى ما قرأته على شيخى - رحمه الله - ولا قرأه على، غير أتى أرويه عمّن حدّثنى به عنه، وهو... (*كامل الزيارات*، ۲۷۲-۲۷۳).

ترجمه: باب هشتاد و هشتم — فضل کربلا و زیارت امام حسین (ع): حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی در این باب حدیثی [برای افزودن به اصل اثر] دارد که شیخ ابوالقاسم ابن قولویه — مصنف این کتاب — آن را روایت کرده، و حسین بن احمد آن را از وی نقل کرده است. این روایت همانی است که از زائده، از مولای ما امام زین العابدین (ع) نقل شده است. از دست استاد ما — که خداوند رحمتش کند — در رفت که این روایت را در ضمن اثر خود بگنجانند. از آن سو، این روایت شایسته این باب است و افزون بر این، در کنار الفاظ نیکو و دلالت کامل، مفاهیم متعددی را در خود جمع دارد.

بر این پایه خواستم آن را در این باب جای دهم و بدین منظور، در اول باب گنجاندمش... این روایت از افادات استاد من در مصر، ابوالقاسم علی بن محمد بن عبدوس کوفی — رحمه الله — بود؛ از همانها که از قول مزاحم بن عبدالوارث بصری با اسنادهایی از قدامة بن زائده، از پدرش زائده، از امام زین العابدین (ع) نقل می‌کرد. من با استادم ابن قولویه بعد از پایان یافتن تألیف این کتابش مذاکره کردم که این روایت را نیز در اثر بگنجانند. باینحال، چنین کاری را به انجام نرساند، تا آن که مرگش سررسید. خدا از او راضی باشد و او را به موایش (ع) ملحق گرداند.

این حدیث [اگرچه در اثر استادم ابن قولویه جای نگرفته]، از جمله روایاتی است که از خود وی نیز برای نقل آنها اجازه دریافت کرده‌ام. اکنون میان دو نقل مختلف روایت [نقل ابن عبدوس و نقل ابن قولویه] جمع کرده‌ام؛ بدین سان که با کاستن الفاظ زائد هر یک و تقدیم و تأخیرها متنی پدید آورده‌ام که نقل آن از هر دو استادی که به من اجازه روایتش را داده‌اند، صحیح باشد. سرآخر اکنون باید بگویم که این روایت را نه من بر استاد [ابن قولویه] برخواندم و نه او بر من خواند؛ بلکه من آن را از کسی روایت می‌کنم که خود از ابن قولویه شنیده، و اجازه روایت گرفته است. روایت مورد بحث این است...

بر پایه این گزارش باید حکم کرد که دست کم در یک جای اثر، مطلبی دیده می‌شود که بوشنجی پس از مرگ ابن قولویه در آن جای داده، و چنان که از تعبیری مثل «خدا از او راضی شود» برمی‌آید، احتمالاً ابن قولویه تا زمانی که زنده بوده، به درج آن در اثر خویش رضایت نداده است. به بیان دیگر، از مجموع عبارات فوق می‌توان دریافت که دست کم در یک جای *کامل الزیارات*، مطلبی درج گردیده است که نتیجه تألیف ابن قولویه نیست و شاگردش بوشنجی آن را افزوده است.

درج مطالبی در ضمن آثار دیگران البته پدیده شناخته‌ای است. گذشته از این، پیش

از بهبودی نیز کسانی به وقوع چنین درجی توجه کرده بودند (برای نمونه، رک: نوری، ۲۴۸/۳). بهبودی نه از این موضوع به تنهایی، که از نهادن آن در کنار شواهد و قرائنی دیگر به نتیجه پیش گفته می‌رسد.

ب) تقدیم خطبه بر سند کتاب

دومین مسأله‌ای که توجه بهبودی را جلب کرده، وضعیت غریب خطبه کتاب است. هر گاه مؤلف اثر ابن قولویه باشد، علی‌القاعده باید انتظار داشت که نخست شاگردی از شاگردان ابن قولویه که ناسخ اولیه اثر بوده است، گزارش دهد استادش ابن قولویه چنین گفت و بدین سان، ذکر مطالب کتاب آغاز گردد؛ آن گاه نخست خطبه مؤلف اثر — ابن قولویه — را بیاورند و بعد از توضیح‌های مقدماتی معمول در خطبه‌ها، نخستین باب بحث آغاز گردد و ابن قولویه از مشایخش روایاتی را در باره آن موضوع نقل کند.

خلاف این انتظار، هرگز شاگردی که ناسخ اولیه اثر بوده است، نام ابن قولویه را در آغاز نمی‌آورد؛ بلکه نخست بدون یادکرد هیچ نامی از مؤلف — چنان که البته گاه مرسوم است — خطبه کتاب ذکر می‌شود و مؤلف اهداف خود را در تألیف آن برمی‌شمرد. با ورود به نخستین باب بحث، وقتی نخستین روایت ذکر می‌گردد، اسم ابن قولویه به مثابه راوی آن یاد می‌شود؛ گویی ابن قولویه شیخی است که مؤلف این کتاب نخستین روایت اثر خود را از وی شنیده است: «أخبرنا ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی الفقیه قال...» (کامل‌الزیارات، ۶).

بهبودی از تأخیر سند کتاب و درج آن پس از خطبه اثر و فهرستش، نتیجه می‌گیرد که مؤلف هر که باشد، فردی از شاگردان ابن قولویه است؛ نه خود وی. این شاگرد، خطبه کتاب را — خود — نوشته، و فهرست آن را نیز تنظیم کرده است؛ چه، در غیر این صورت — آن سان که رسم کتب حدیثی از این قبیل است — باید سند کتاب را

بر خطبه آن مقدم می‌داشت (رک: بهبودی، حاشیه، ۲۸ / ۵۵).

بهبودی معتقد است که با مرور بخشهای مختلف اثر متوجه می‌شویم تعبیر «اخبرنا ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی الفقیه رحمه الله...» در جای دیگری از این اثر نیز تکرار می‌شود (کامل الزیارات، ۲۷۹). این امر از دید او نشان می‌دهد مؤلف، کتاب استاد خود ابن قولویه را اصل قرار داده، و اثر خود را با هدف تکمیل آن تألیف نموده است. از نگاه بهبودی، این شاگرد ناشناخته ابن قولویه و مؤلف کامل الزیارات — به احتمال قوی — همان حسین بن احمد بوشنجی است؛ همان که در بخشی دیگر از کتاب می‌توان ردی از قلم وی بازشناخت (رک: سطور پسین).

پ) باب هشتماد و هشتم، زیاده بوشنجی

از نگاه بهبودی، دستکم در کتاب می‌توان یک باب سراغ داد که تألیف آن شکلی متفاوت از بقیه دارد؛ بدین معنا که در سایر ابواب، مؤلف خواسته است اثر ابن قولویه را مبنا قرار دهد و روایاتی چند را در تکمیل همان بحث بدانها بیفزاید؛ اما این باب از اساس متضمن بحثی است که اثر ابن قولویه آن را دربر ندارد.

چنان که دیدیم، از نگاه بهبودی عبارات آغازین باب ۸۸ کامل الزیارات نشان می‌دهد روایات این باب را نه ابن قولویه که شاگردش حسین بن احمد بوشنجی در اثر گنجانده است. فردی که ظاهراً بوشنجی است، چنان که دیدیم در آغاز همین باب شرح می‌دهد روایاتی را سراغ دارد که از دید وی متعلق به این فصل هستند، استادش ابن قولویه نیز بدین روایتها دسترس داشته، و باینحال، تا زنده بوده، با وجود مذاکرات و پیشنهادهای این فرد از نقل آنها در کتاب، سر باز زده است. سپس می‌گوید که اکنون خود به درج آنها در این باب مبادرت می‌ورزد. این فرد گویا خود برخی از این روایات را به طریق اجازه یا قرائت از ابن قولویه ستانده، و البته اصلاحاتی نیز در مقام تدوین

آنها کرده است (کامل الزیارات، ۲۷۲-۲۷۳).

بهبودی معتقد است کسی که چنین می‌گوید خود بوشنجی است. نیز، توضیح می‌دهد که از برخی اشارات وی می‌توان دریافت که دستکم این باب تألیف خود اوست. توضیح این که در ابتدای باب هشتاد و هشتم، این فرد اشاره می‌کند که مصنف کتاب اصلی که حدیث مذکور در جایی دیگر از او نقل شده، شیخ او ابن قولویه است (ص ۲۷۲): «... فیہ حدیثٌ رواه شیخه ابوالقاسم — رحمه الله — مصنفُ هذا الكتاب؛ نقل عنه و هو عن زائدة...» (همانجا). به بیان دیگر، نویسنده این باب توضیح می‌دهد که در این باب حدیثی هست که مصنف این اثر — ابن قولویه — نیز آن را در جایی غیر از این کتاب روایت کرده، و آن همان روایتی است که یک راوی به نام زائده نقل می‌کند.... این سخن بدان معناست که وی نوشتار ابن قولویه را برگرفته، و دستکم این باب را بدان افزوده، و البته در این افزونه‌ها نیز به نقلهای خود ابن قولویه نظر داشته است؛ نقلهایی که چه بسا ابن قولویه با همه مذاکرات وی راضی به درج آنها در اثر خود نشده است.

۲. مؤیدات نظر بهبودی

بر پایه این شواهد، بهبودی نتیجه می‌گیرد که دستکم یک باب از ابواب کامل الزیارات — و چه بسا بسیاری دیگر — اثر همان فرد مذکور در این عبارات باشد و آن فرد هم کسی جز بوشنجی نیست. بهبودی شکاکیت خود را از این هم فراتر می‌برد و محتمل می‌داند که دخل و تصرفهای بوشنجی در این اثر، محدود به درج همین موارد نباشد. گرچه وی توضیح نمی‌دهد که شواهد وی برای تعمیم شکاکیت چیست، می‌توان در مرور کامل الزیارات، شواهدی جست که این احتمال را تقویت کنند.

الف) نقل از شاگردان ابن قولویه

در سخن از ابن قبیل شواهد، نخست باید بدین توجه کرد که در *کامل الزیارات*، نویسنده گاه از افرادی روایت می‌کند که به طبقه شاگردان ابن قولویه تعلق دارند؛ نه استادان وی. چنین پدیده‌ای با نگارش اثر به دست شاگرد ابن قولویه سازگارتر است و احتمال گسترده‌تر بودن دامنه درجها در کتاب را بیش‌تر می‌کند.

برای نمونه، در جایی از *کامل الزیارات* (ص ۲۶۳) می‌خوانیم:

قال ابن قولویه: وَ زَادَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَقِبَ هَذَا الْحَدِيثِ فِي هَذَا الْبَابِ بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ خَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ نَعِيمِ السَّمَرْقَنْدِيِّ بِإِجَازَتِهِ بِخَطِّهِ بِاجْتِيَازِهِ لِلْحَجِّ: عَنْ أَبِي التَّضَرِّ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَاشِيِّ ...

عبارت به این شکل، نمی‌تواند سخن ابن قولویه باشد؛ چه، بر پایه آن ابن قولویه خبر می‌دهد که شاگردش حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی (که پیش از این دیدیم در آغاز باب زیادی خود، ابن قولویه را شیخ خود می‌شناساند) در دنباله روایت پیشین دارد سخنی را می‌افزاید که خود از محمد بن نعیم سمرقندی — فردی از نسل شاگردان ابن قولویه (برای وی، رک: طوسی، *الرجال*، ۴۲۱؛ همو، *الامالی*، ۴۵) — شنیده است. باید انگاشت که اصل عبارت این‌چنین بوده است:

قال مصنف هذا الكتاب وَ زَادَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَقِبَ هَذَا الْحَدِيثِ فِي هَذَا الْبَابِ بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ خَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ نَعِيمِ السَّمَرْقَنْدِيِّ بِإِجَازَتِهِ بِخَطِّهِ بِاجْتِيَازِهِ لِلْحَجِّ: عَنْ أَبِي التَّضَرِّ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَاشِيِّ ...

بعد، اشخاصی به اشتباه با این فرض که مصنف اثر ابن قولویه باشد، عبارت «قال مصنف هذا الكتاب» را به «قال ابن قولویه» تغییر داده باشند.

ب) تعابیر حاکی از درج زیادات

می‌توان تعابیر دیگری هم یافت که نشانگر وقوع زیاداتی در متن هستند؛ عباراتی چون «من زیادة الحسين» یا «زاد الحسين» می‌توانند حاکی از این دانسته شوند که بعد

از وفات ابن قولویه، بوشنجی در این اثر ویرایشهایی اعمال کرده است. برای نمونه، در جایی (ص ۲۶۴) می‌خوانیم: «و من زیادة الحسین بن احمد بن المغیره ما فی حدیث احمد بن ادیس...»؛ یعنی «از جمله زیاداتی که حسین بن احمد به اثر افزوده، همان است که در حدیث احمد بن ادیس نقل شده...». گاه نیز (ص ۲۸۷) تعبیر و اضافات مشابه و البته طولانی‌تری دیده می‌شود؛ مثلاً:

قال الحسین بن أحمد بن المغیره: وحدثنی أبو محمد الحسن بن أحمد بن علی الرّازی المعروف بالوهوردی بنیسا بور بهذا الحدیث، و ذکر فی آخره غیر ما مضی فی الحدیثین الأولین ، أحببت شرحه فی هذا الباب لآئه منه...

ترجمه: حسین بن احمد بوشنجی می‌گوید که ابومحمد رازی معروف به «الوهوردی» [؟] در شهر نیشابور این حدیث را [که بالاتر به نقل از ابن قولویه یاد می‌شود] برایم نقل کرد و در ادامه آن عباراتی متفاوت با آنچه در دو حدیث بالا دیده می‌شود نقل نمود. من بد ندیدم که در این باب روایت وی را نیز شرح کنم؛ زیرا که آن روایت هم به همین باب تعلق دارد....

اگر بنا باشد صرفاً بر پایه همین شواهد قضاوت کنیم، به نظر می‌رسد زیادات بوشنجی بر اثر ابن قولویه، ویرایشهایی جزئی به شمار می‌روند؛ ویرایشهایی که وی همواره خود نیز بدان تصریح کرده، و راه را بر سوء تفاهم خواننده و اشتباه گرفتن مؤلف حقیقی اثر با درج‌کننده عباراتی جزئی در آن بسته است.

از این منظر، عبارتی دیگر از *کامل الزیارات* را نیز می‌توانیم حاکی از اصلاحات جزئی بدانیم. مؤلف بعد از پایان یافتن باب ۸۸ می‌گوید «رجعنا الی الاصل» (ص ۲۷۹؛ قس: نسخه مصحح جواد قیومی که این عبارت را دربر ندارد). این تعبیر نشان می‌دهد افزاینده این باب — لابد همان احمد بن حسین بوشنجی — خواسته است خواننده را آگاه کند که اضافات او پایان یافته، و بقیه مطلب همان است که ابن قولویه نقل می‌نماید. چنین رفتاری با توصیف نجاشی (ص ۶۸) از بوشنجی به وثاقت و امانتداری مطابق به نظر می‌رسد.

پ) شیوه نقل ابن قولویه از استادانش

موردی نیز می‌توان سراغ داد که تا حدودی قضاوت فوق را می‌تواند به چالش بکشد و اجازه ندهد بوشنجی را — هم‌صدا با قیومی (ص ۲۹) — صرفاً افزایشده همان سه فقره کاملاً مشخص بدانیم که خود به درج آنها تصریح کرده است. قضیه از این قرار است که در باب هشتاد و دوم *کامل الزیارات* روایتی از احمد بن ادریس نقل می‌شود (ص ۲۶۴) که شیوه نقل آنها با روش معهود ابن قولویه فرق دارد.

می‌دانیم احمد بن ادریس — مشهور به ابوعلی اشعری — از مشایخ کلینی (د ۳۲۹ق) است (رک: نجاشی، ۹۲؛ کلینی، ۱ / ۴۸). فاصله زمانی ابن قولویه با چنین کسی در حدود سه نسل است و به طبع نمی‌توان انتظار داشت ابن قولویه از کسی بی‌واسطه روایت کند که هفتاد سال پیش از خود وی در گذشته است. گذشته از این، ابن قولویه از احمد بن ادریس روایات فراوانی نقل می‌کند و البته، همه آنها برگرفته از وسائلی است؛ گاه روایات احمد بن ادریس را از کلینی شنیده است (*کامل الزیارات*، ۷)، گاه از برادرش علی بن محمد بن قولویه (همان، ۴۵)، گاه از پدرش (همان، ۱۰۴)، و سرانجام، گاه از جمعی دیگر از استادان خود (همان، ۱۳۱، ۱۴۲، ۳۳۸؛ برای دسته‌بندی شیوه‌های متفاوت ابن قولویه در نقل روایات و مدلول این تفاوت، رک: مهرش، «روشی...»، ۳۶-۴۵).

یعنی در میان منقولات ابن قولویه نمی‌توان روایتی یافت که بی‌واسطه از احمد بن ادریس نقل شود، و البته چنین هم انتظار نمی‌رود. بر این پایه، تنها مورد نقل بی‌واسطه روایت از احمد بن ادریس در باب هشتاد و دوم، نقلی خلاف انتظار است. می‌توان تصور کرد که این روایت هم از مجموعه منقولات بوشنجی است؛ او ست که در هنگام ویرایش اثر ابن قولویه این روایت را بدان افزوده است (*کامل الزیارات*، ۲۶۴):

و من زیادة الحسین بن أحمد بن المغیره ما فی حدیث أحمد بن إدیس ابن أحمد بن زکریا القمّی قال: حدّثنی محمد بن عبدالجبار، عن علی بن إسماعیل، عن محمد بن عمرو، عن فائد الحنّاط، عن أبی الحسن الماضي علیه السلام «قال: سألته عن الصّلاة فی الحزمین، فقال تتمّ ولو مرّزت به ما رأ».

حدّثنی أحمد بن إدیس قال: حدّثنی أحمد بن أبی زاهر، عن محمد بن الحسین الرّبات، عن الحسن، عن عمران بن حمران «قال: قلت لأبّی الحسن علیه السلام...

می‌توان از این عبارت چنین دریافت که بوشنجی به نخستین فقره از الحاقیات خویش تصریح می‌کند. بالینحال، شیوه بیان وی هنگام نقل روایت دوم طوری نیست که بتوان به وضوح دریافت روایت احمد بن ادیس را خود وی شنیده، یا ابن قولویه آن را سماع کرده است. این شیوه بیان وی را یا باید به حساب سهو و خطا و تصحیف و افتادگی نسخ گذاشت، یا تدلیس. به هر حال، صواب هر چه باشد، این روایت را نمی‌توان از قبیل نقلهای ابن قولویه در کتاب *زیارات* خویش از احمد بن ادیس تلقی کرد.

۳. شناخت بیشتر بوشنجی

با پی‌جویی نام حسین با احمد بن مغیره بوشنجی به شواهد کمی برای حیات وی دست پیدا می‌کنیم. نه تنها ما، که به نظر می‌رسد گذشتگان هم اطلاعات اندکی در باره وی داشته‌اند.

الف) داوریه‌های رجالی در باره وی

برای نمونه، نجاشی (ص ۶۸) بدون آن که در باره مذهب وی گزارش دهد، با کاربرد عبارتی مبهم و مجمل می‌گوید وی سست مذهب بوده است. این ظاهراً عین عبارتی است که وی خود از ابن غضائری شنیده بوده است (قس: ابن غضائری، ۱۱۷؛ نیز برای بازتاب همین اطلاعات اندک در آثار رجالی بعد، رک: ابن داوود، ۲۱۰، ۲۴۰، ۳۰۱؛ علامه حلی، ۳۳۹).

نجاشی (ص ۶۸) نیز با اعتماد به ابن غضائری (قس: ابن غضائری، ۱۱۸) وی را در روایاتش ثقه می‌شناساند. همچنین، در جای دیگر و در ذیل بحث از عالمی دیگر (نجاشی، ۳۳۶) می‌افزاید که حسین بن احمد بن مغیره، مشهور به «ثَلَّاج» بوده، و از علی بن حسین مشهور به ابن شَمون حدیث شنیده است. نجاشی (ص ۶۸) از میان شاگردان وی نیز، استاد خود ابو عبدالله حسین بن جعفر بن محمد مخزومی خزاز مشهور به ابن خَمری را یاد می‌کند که در سال ۴۰۰ ق همة مرویات بوشنجی را به نجاشی انتقال، و برای نقلش به وی اجازه داده است (قس: ابن حجر، ۲/ ۲۶۶ که ابن خمری را بر پایه نسخه‌ای از اثر نجاشی، ابو عبدالله بن حَموی شناسانده است).

اشارات پراکنده‌ای نیز در آثار مختلف می‌توان به استادان بوشنجی پیدا کرد. مثلاً، نجاشی خود از یک استاد ناشناخته‌اش به نام ابوالقاسم تمیم بن عیسی حمیری یاد می‌کند (نجاشی، ۱۵۲). بر پایه مندرجات کامل الزیارات، بوشنجی شاگرد حیدر بن محمد بن نَعیم سمرقندی (برای وی، رک: طوسی، الفهرست، ۱۲۰؛ همو، الرجال، ۴۲۰-۴۲۱) و یک راوی ناشناس دیگر به نام ابومحمد حسن بن احمد بن علی رازی معروف به وهوردی (کذا) نیز بوده، که در نیشابور از او حدیث شنیده است (برای این دو راوی، به ترتیب رک: کامل الزیارات، ۴۳۱، ۲۸۷). در اقبال الاعمال ابن طاووس (۲/ ۳۵) نیز فردی به نام طاهر بن عباس همچون شیخ حدیث او یاد می‌شود. هیچ یک از این شخصیتها مشهور نیستند.

ب) تصحیفات نام وی

احتمال تصحیف در نام بوشنجی منتفی نیست. پس باید نامهایی را نیز واکاوید که محتمل است حاصل تصحیف اسم وی باشند. در پی جویی این احتمال درمی‌یابیم که ابن طاووس از یک راوی به اسم حسن بن احمد بن مغیره ثَلَّاج هم یاد کرده است (فلاح

السائل، ۱۷۶). بر پایه طبقة راوی و دیگر شواهد، وی باید همین بوشنجی مورد بحث ما باشد. با این فرض، استاد دیگر بوشنجی، عبدالله بن موسی سلامی بوده (همان، ۱۷۷)، و بوشنجی از او در بلخ حدیث شنیده است (همانجا). افزون بر این، بوشنجی شاگردی به اسم محمد بن حامد هم داشته است که نامش در طریق ابن طاووس به بوشنجی دیده می‌شود (همانجا).

پ) شواهد دیگر از حیات وی

اگر بپذیریم حسن بن احمد ثلاج می‌تواند نامی دیگر برای بوشنجی باشد، شواهد معدود دیگری را هم از حیات بوشنجی خواهیم یافت. برای نمونه، صفی (۲۲ / ۷۰) از فردی به نام حسن بن احمد بن ثلاج یاد می‌کند که نامش را در طریق خویش به *امالی* ثعلب (د ۲۹۱ق) دیده است. بر پایه این گزارش، حسن بن احمد ثلاج در سال ۴۱۶ق *امالی* ثعلب را از ابوبکر محمد بن حسن مشهور به ابن مقسم (د ۳۵۴ق)، قاری مشهور شنیده است. علی القاعده باید فرض کنیم که ۴۱۶ق تصحیف ۳۱۶ق باید باشد؛ چون در آن سال ابن مقسم زنده نبوده است که بخواد چنین متنی را روایت کند. اگر چنین فرضی صحیح باشد، بعید نیست که این حسن بن احمد بن ثلاج، همان بوشنجی مورد نظر ما باشد که شاگرد ابوبکر ابن مقسم قاری مشهور نیز بوده است.

نتیجه

چنان که دیدیم، دو دیدگاه در باره زیادات *کامل الزیارات* وجود داشت: یکی، دیدگاه کسانی که احتمال درج گسترده در این کتاب را نادیده گرفته، و *کامل الزیارات* را بی‌هیچ اشکالی اثر ابن قولویه تلقی کرده بودند؛ یکی هم دیدگاه بهبودی که با تکیه بر شواهدی چند، احتمال تألیف اثر کنونی به دست بوشنجی را جدی می‌گرفت و معتقد بود *کامل*

الزیارات کنونی، بازنوشته اثر ابن قولویه در زیارات به دست بوشنجی است و زیادات آن هم علی القاعده نباید منحصر به همین چند موردی شود که بدانها تصریح شده است. نخست با کوشش برای تکمیل شواهد و مؤیدات نظر بهبودی خواستیم فرضیه وی را تقویت کنیم. نتیجه آن شد که اگر با اعتماد به قول رجالیان به وجود کتابی تألیف ابن قولویه در باره زیارت امامان شیعه (ع) معتقد باشیم، نباید اثر کنونی در دسترس را به تمامی از آن وی بدانیم؛ زیرا بنا بر شواهدی، متن روایی موجود دچار افزایش شده است. این درج و افزایش در متن کنونی هم احتمالاً از جانب شاگرد وی حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی روی داده است.

به دلیل کاربست تعبیری همچون «من زیادة الحسین»، «رجعنا الی الاصل»، در متن کتاب، یا مثلاً، ذکر «رحمه الله» بعد از نام ابن قولویه، یا مثلاً، تقدیم خطبه بر سند کتاب و شرحهایی در ابتدای کتاب مبنی بر ازدیاد عباراتی در متن، می توانیم بگوییم که بوشنجی، صاحب این زیادات، تنظیم و تألیف این اثر را پس از درگذشت استادش ابن قولویه انجام داده است. البته، چنان که از تعبیر یادشده پیدا ست، بوشنجی نسخه استاد خود را اصل قرار داده، و روایاتی دیگر را هم از دیگر منابع در دسترس خود، بر آن افزوده است.

به هر حال، هنوز تا قضاوت دقیق در این باره راه است و بر پایه شواهد کنونی نباید بیش از این، سخنی به تعجیل گفت.

منابع

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، *الهدایة*، قم، الهادی، ۱۴۱۸ق.
- ۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ق/ ۱۹۷۱م.
- ۳- ابن داوود حلّی، حسن بن علی، *الرجال*، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م.
- ۴- ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الاعمال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ۵- _____ *فلاح السائل، چ سنگی ۱۳۲۶ق*، باز نشر قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- ابن غضائری، احمد بن حسین، *الرجال*، به کوشش محمدرضا جلالی، قم ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش.
- ۷- ابو غالب زراری، *رسالة فی آل امین*، به کوشش محمد علی موحد ابطحی، اصفهان، ۱۳۹۹ق.
- ۸- انصاری، حسن، «ابن قولویه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد چهارم، تهران، ۱۳۷۰ش.
- ۹- بهبودی، محمد باقر، *حاشیه بر بحار الانوار مجلسی*، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- ۱۰- _____ *معرفة الحديث*، بیروت ۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶م.
- ۱۱- جعفری، بهراد، *حاشیه بر کامل الزیارات* (رک: هم).
- ۱۲- حسن بن زین الدین عاملی، *منتقى الجمان فی احادیث الصحاح و الحسان*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ش.

- ۱۳- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۴- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- ۱۵- _____ الرجال، به کوشش جواد قیومی، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۱۶- _____ الفهرست، به کوشش جواد قیومی، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- ۱۷- صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به کوشش احمد ارثووط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ق/ ۲۰۰۰م.
- ۱۸- علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، به کوشش جواد قیومی، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- ۱۹- غفاری صفت، علی اکبر، تعلیقه بر الامالی شیخ مفید، به کوشش حسین استادولی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
- ۲۰- قیومی، جواد، مقدمه بر کامل الزیارات، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- ۲۱- کامل الزیارات، منسوب به ابن قولویه، به کوشش بهراد جعفری و علی اکبر غفاری صفت، تهران، صدوق، ۱۳۷۵ش.
- ۲۲- کشی، محمد بن عمر، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش مهدی رجایی، قم، بعثت، ۱۴۰۴ق.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- ۲۴- مفید، محمد بن محمد، المزار، به کوشش محمد باقر ابطحی، بیروت ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
- ۲۵- مهروش، فرهنگ، «روشی برای بازسازی کتاب المزار سعد بن عبدالله اشعری»،

پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۵، شم ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.

۲۶- _____ گونه‌شناسی تألیفات دعایی عالمان مسلمان تا زمان ابن

طاووس و سیر تحول آن، پایان نامه دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۲ ش.

۲۷- نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به کوشش موسی شییری زنجانی، قم، جامعه

مدرسین، ۱۴۱۶ ق.

۲۸- نوری، حسین بن محمد تقی، خاتمة المستدرک، قم، آل البيت، ۱۴۰۶ ق.